

براندازی یک حکومت با شاهد و شراب و شهوت



سیاسی



هادی قطبی

آنچه در اندلس گذشت...

با بررسی تاریخ و تمدن اسلامی، درمی‌یابیم که در فاجعه سقوط اندلس، دستگاہ استعمارگر مسیحی با استفاده از ابزارهای فکری و فرهنگی توانست جوانان مسلمان را از مسیر دینی خود باز دارد و آنان را به ظواهر فریبنده و هوس‌رانی‌ها و بی بند و باری‌ها سوق دهد و در یک فرصت مناسب بر آنان بتازد و دست مسلمین را از آن سرزمین کوتاه کند.

تهاجم فرهنگی

مجله «فوق‌العاده» چاپ آمریکا، در شماره ۳۸۲ سال ۱۳۶۱ می‌نویسد: «وقتی گروهی در یک مبارزه سیاسی می‌بازد، درست مانند یک تیم ورزشی که نخستین کارش قبول شکست است، باید باخت را باور کند؛ زیرا نپذیرفتن شکست، راه را بر تفکر بعدی می‌بندد. بر اساس این اصل حالا وقت آن است که ما به ارزیابی واقع‌بینانه‌ای دست بزنیم. تجربه به ما نشان می‌دهد که شکل‌گیری سیاسی تک‌یاخته، به صورت گروه‌های چند نفری و بعد ائتلاف

اشاره

در اهمیت فرهنگ و تهاجم

فرهنگی، همین بس که تا در عرصه فرهنگی توفیقی به دست نیاید، نمی‌توان از شیوه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی برای ساختن و با فروپاشی ملتی بهره جست. از آن جا که در تاریخ اندلس

مهم‌ترین عامل روی کار آمدن و

نیز سقوط مسلمین، «فرهنگ» بوده است و

نمونه‌های دیگر آن در تاریخ فراوان یافت می‌شود، در این نوشتار به چگونگی نفوذ فرهنگی دشمن در اندلس و سقوط حکومت مسلمین و سپس به زمینه‌ها، شیوه‌ها و اهداف تهاجم فرهنگی دشمن علیه انقلاب اسلامی اشاره کوتاهی شده است.



چند ساعته و تلاشی چند دقیقه‌ای، پاسخ صحیح به لوازم مبارزه با حکومت نیست. از این جا به بعد مبارزه مسلحانه و به کار بردن واژه‌های براندازی، سرنگونی و زد و بند‌های سیاسی به صورت اعلامیه، بیانیه و خطابه کاربردی ندارد. ولی یک راه برای ادامه مبارزه وجود دارد؛ راهی که ما را به بقای واقعی می‌رساند. ما این دور از مسابقه را باید به صورت یک مبارزه فرهنگی آغاز کنیم؛ مبارزه‌ای فرهنگی در همه زمینه‌ها: تئاتر، سینما، ورزش، هنر، موسیقی، نقاشی و غیره»^۱

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) درباره توطئه فرهنگی دشمن و اهمیت آن در مقایسه با دیگر برنامه‌های سیاسی و اقتصادی می‌فرماید: «استعمار سیاسی و اقتصادی آن گاه توفیق حاصل می‌کند که در استعمار فرهنگی توفیق به دست آورده باشد. بی‌اعتقاد کردن مردم به فرهنگ خودشان و تاریخ خودشان، شرط اصلی این موفقیت است. استعمار، دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده است که فرهنگی که مردم مسلمان به آن تکیه می‌کنند و ایدئولوژی‌ای که به آن می‌نازند، فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است؛ باقی همه حرف است و از چهار دیواری کنفرانس‌ها و جشنواره‌ها و کنگره‌ها و سمینارها هرگز بیرون نمی‌رود و به متن توده‌ها نفوذ نمی‌یابد. پس مردم از آن اعتقاد و از آن ایمان و از آن اعتماد و حسن ظن باید تخلیه شوند تا آماده ساخته شدن طبقه‌های غربی گردند.»^۲

تهاجم فرهنگی بر خلاف شیوه‌های دیگر هجوم، متکی بر روش‌های آرام، پنهان و بی‌سر و صدا است و درک کامل آن هوشیاری ویژه‌ای می‌طلبد. به فرموده مقام معظم رهبری، آثار تهاجم فرهنگی به گونه‌ای است که پس از گرفتار شدن، متوجه آن می‌شویم؛ مانند بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سر و صدا. «تهاجم

فرهنگی دشمن به صورتی است که شما ناگهان در مدرسه‌های ما، خیابان‌های ما، جبهه‌های ما، حوزه‌های علمیه، مدارس و دانشگاه‌ها نشانه‌های آن را خواهید دید.»^۳ مهم‌ترین دلیل مقابله دشمن با سیاست اسلامی، وجود حکومت و نظام اسلامی ایران است؛ چرا که به فرموده مقام معظم رهبری «اگر اسلام یک تفکر سیاسی نداشت، یک انقلاب بر مبنای اسلام انجام نمی‌گرفت و یک نظام بر اساس آن به وجود نمی‌آمد.»^۴

باید توجه داشت که تهاجم فرهنگی دشمن، نه تنها به سوی انقلاب، بلکه به سوی اسلام و - به تعبیر دقیق‌تر - به سوی مذهب‌جهت‌گیری شده است. هجمه به مذهب، به انقلاب ایران محدود نمی‌شود؛ بلکه دشمن، هر مذهبی را که در آن اصالت باشد، مورد حمله خود قرار می‌دهد تا در دیگر ممالک نیز نتواند باعث انقلاب مردمی شود. حتی باورهای عوامانه اسلامی و دینی، اگر مانع نفوذ فرهنگ غرب باشد، مورد تهاجم است، چه رسد به اسلام ناب.

زمینه‌ها

برای شناخت بیش‌تر تهاجم فرهنگی و چگونگی برخورد با آن، باید از عوامل مؤثر در ایجاد مفاسد اجتماعی، بی‌عفتی و ولنگاری آگاه‌شده، برای مقابله با آن، راهکارها را بشناسیم.

بیان نشدن صحیح فرهنگ اسلامی و نبود برنامه منسجم فرهنگی؛ بحران‌سازی‌های متعدد دشمن؛ سیاست‌گذاری‌های نامناسب فرهنگی و هم‌رأی نبودن دولتمردان در شیوه برخورد با مسائل فرهنگی؛ ترویج تساهل و تسامح؛ خلأ الگوهای مناسب و عدم تبیین آن؛ بالا رفتن سن ازدواج به دلایل گوناگون از جمله پای بندی به رسوم نادرست؛ عقب‌نشینی نیروهای مذهبی به دلیل به کارنگرفتن روش صحیح در اجرای احکام؛ وجود مسایل و مشکلات درونی و تصویر نادرستی که زنان جامعه از خود دارند؛ جدایی جوانان از کانون خانواده، و استحاله عقیدتی، زمینه‌های مؤثری برای توسعه مفاسد اجتماعی و تحقق اهداف تهاجم فرهنگی غرب نسبت به اسلام ناب فراهم کرده‌اند. طبیعی است که در برابر هر یک از این عوامل، می‌توان با دو شیوه معامله به مثل، و دفاع برخورد کرد. تقویت ایمان؛ دادن آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی؛ بهبود بخشیدن به وضع معیشتی مردم؛ معرفی الگوهای مناسب؛ تسهیل در امر ازدواج و آگاهی‌دادن؛ اتخاذ سیاست‌هایی به منظور ایجاد مکان‌هایی آمن برای بانوان؛ ایجاد

◆◆ تهاجم فرهنگی بر خلاف شیوه‌های دیگر هجوم، متکی بر روش‌های آرام، پنهان و بی‌سر و صدا است و درک کامل آن هوشیاری ویژه‌ای می‌طلبد. به فرموده مقام معظم رهبری، آثار تهاجم فرهنگی به گونه‌ای است که پس از گرفتار شدن، متوجه آن می‌شویم؛ مانند بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سر و صدا. «تهاجم فرهنگی دشمن به صورتی است که شما ناگهان در مدرسه‌های ما، خیابان‌های ما، جبهه‌های ما، حوزه‌های علمیه، مدارس و دانشگاه‌ها نشانه‌های آن را خواهید دید.»

◆◆ مهم‌ترین دلیل مقابله دشمن با سیاست اسلامی، وجود حکومت و نظام اسلامی ایران است؛ چرا که به فرموده مقام معظم رهبری «اگر اسلام یک تفکر سیاسی نداشت، یک انقلاب بر مبنای اسلام انجام نمی‌گرفت و یک نظام بر اساس آن به وجود نمی‌آمد.»



مراکز تفریحی و نظارت صحیح بر آنها؛ نظارت بر کالاهای وارداتی فرهنگی؛ برخورد قاطعانه با متخلفان و مجرمان.^۵

شیوه‌ها

دیوید کیو - مأمور و رابط سازمان سیا با برخی گروه‌ها و عناصر ضدانقلاب - می‌گوید: «مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه کنونی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.»^۶

یکی از عناصر ضد انقلاب نیز تأکید می‌کند: «ما با جمهوری اسلامی مبارزه سیاسی نخواهیم کرد؛ بلکه کار ما صرفاً فرهنگی است و اصولاً استراتژی جدید ما مبارزه فرهنگی است. ما باید پیش و فرهنگ مردم را عوض کنیم تا جمهوری اسلامی ساقط شود.»^۷

متأسفانه دشمن توانست با پیشبرد نسبی برنامه‌های خود در ایجاد ساختمان‌ها و تفریحگاه‌ها، نوع پوشاک و خوراک، آداب زندگی اجتماعی و خانوادگی و نیز شیوه تربیت نسل بعدی در مدارس و کتابخانه‌ها و... به اهداف خود نزدیک‌تر شود. یگانه عامل بازدارنده، وجود رهبران سالم دینی در نظام اسلامی است که توانسته‌اند با افشای جریان‌های فکری و فرهنگی، و اعلام بیدارباش به متفکران جامعه و برنامه‌ریزی‌های مناسب، جلوی این حرکت عظیم دشمن را بگیرند.

مقام معظم رهبری درباره اهداف تهاجم فرهنگی دشمن می‌فرمایند: «مسئله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم آورده‌ام و حقیقتاً و قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم، دو شاخه اساسی و مهم دارد: جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی؛ ادامه همان کاری که در دوران پهلوی به صورت آزاد انجام می‌گرفت. دوم... حمله به جمهوری اسلامی و ارزش‌های جمهوری اسلامی و ارزش‌های ملت ایران که از طرف فرهنگ با نوشتن و تهیه فیلم و نمایش‌نامه‌ها و تنظیم کتاب‌ها و فصل‌نامه‌ها و باهدایت بیگانه امروز در کشور انجام می‌گیرد.»^۸

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) فرهنگ را در مقایسه با اقتصاد و سیاست یک جامعه، بسیار مهم‌تر دانسته، معتقدند: «بی‌شک در میان انواع گوناگون استعمار، خطرناک‌تر از همه استعمار فرهنگی است. مگر ممکن است ملتی را از نظر اقتصادی و سیاسی استعمار نکنند، بدون آن که قبلاً او را استعمار فکری کرده باشند؟ برای بهره‌کشی از فرد، باید شخصیت فکری او را سلب

کنند، او را به آنچه مال خودش است بدین کنند و در عوض، او را شیفته هر آنچه که از ناحیه استعمارگر عرضه می‌شود، بسازند. می‌باید در مردم حالتی به نام تجدید زندگی به وجود بیاورند، به طوری که از آداب و رسوم خودشان متنفر بشوند، اما از آداب و رسوم بیگانه خوششان بیاید. می‌باید آن‌ها را به ادبیات خودشان، به فلسفه خودشان، به کتاب‌های خودشان، به دانشمندان و مفاخر علمی و فرهنگی خودشان بدین کنند و در عوض مسحور ادبیات و فلسفه و کتاب‌های دیگران کنند.»^۹

البته در میان همه وسایل تهاجم فرهنگی، ابزار رسانه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. رادیو آمریکا در دوم آبان ۱۳۷۳ از قول دکتر تهرانیان (استاد دانشگاه هاروارد) که به تازگی از تهران دیدن کرده بود، می‌گوید: «یکی از نکاتی که توجه من را جلب کرد، ایجاد مجلات متنوع زیادی است در ایران که در زمینه‌های فرهنگی و فکری کار می‌کنند و نماینده یک نوع زایش فرهنگی در ایران هستند.» و در هفدهم مرداد ۱۳۷۳ اظهار می‌دارد: «اگر سیاست مهار مضاعف دولت کلیتسون نتواند ایران انقلابی را به زانو درآورد، شاید برنامه‌های رقص و آواز ام.تی.وی و شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای آمریکا به این کار موفق شود.»^{۱۰} بررسی کمی و کیفی آن‌دسته از نشریاتی که در داخل کشور منتشر می‌شوند و تحت تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم سازمان‌دهندگان تهاجم فرهنگی قرار دارند، رشد خزنده فرهنگ غربی در کشور را نشان می‌دهد.

اهداف، مجریان و مخاطبان

تهاجم فرهنگی در کلیت خود، هدف‌های بسیاری را دنبال می‌کند که هر یک از آن‌ها بر اساس درجه اهمیت و اولویت، بخشی از سناریوی هجوم فرهنگی غرب را به خود اختصاص داده است ولی آنچه در جوهره همه این اهداف جریان

◆◆ متأسفانه دشمن توانست با پیشبرد نسبی برنامه‌های خود در ایجاد ساختمان‌ها و تفریحگاه‌ها، نوع پوشاک و خوراک، آداب زندگی اجتماعی و خانوادگی و نیز شیوه تربیت نسل بعدی در مدارس و کتابخانه‌ها و... به اهداف خود نزدیک‌تر شود. یگانه عامل بازدارنده، وجود رهبران سالم دینی در نظام اسلامی است که توانسته‌اند با افشای جریان‌های فکری و فرهنگی، و دادن اعلام بیدارباش به متفکران جامعه و برنامه‌ریزی‌های مناسب، جلوی این حرکت عظیم دشمن را بگیرند.

◆◆ مجریان تهاجم فرهنگی در ایران را می‌توان به دو دسته مهم تقسیم کرد: ۱. جریان روشنفکری وابسته، که خودباختگی در برابر بیگانگان، انزوا از مردم، فساد اخلاقی و دشمنی با مذهب، از جمله ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. ۲. تشکیل کارخانه‌های آدم‌سازی (لژهای فراماسونری).



◆◆ **مونته‌سکیو معتقد است: «در حرکت دموکراسی، از دست رفتن عفت، بزرگ‌ترین بدبختی‌ها و مفسدرا باعث می‌شود تا جایی که اساس حکومت را از بین می‌برد.»**

◆◆ **هدف دشمن و نفوذی‌های داخل کشور، تبدیل ایران به مملکتی التقاطی است. در این میان می‌توان به کشورهای چون لبنان، مصر و سوریه اشاره کرد که در آن‌ها مساجد و زیارتگاه‌های زیبا و گلدسته‌های چشم‌نواز یافت می‌شود. همان گونه که کاباره و مشروب‌فروشی هم وجود دارد.**

فرهنگ غرب را به گونه‌ای ویرانگر بر اذهان مردم این کشور حاکم کند. صاحب‌نظران رومی بستر اصلی فروپاشی شوروی را تخریب فرهنگی می‌دانند و معتقدند بدون تخریب فرهنگ مردم شوروی، فروپاشی این کشور به هیچ وجه امکان‌پذیر نبود.^۶ برای نمونه، «زوگانوف گنادی اندرویچ» (یکی از اعضای پیشین حزب کمونیست و رئیس کنونی مجلس روسیه و نفر دوم این کشور) درباره مهم‌ترین عاملی که کشورهای اروپایی و غربی برای فروپاشی کشورهای دیگر از آن بهره می‌جویند، می‌گوید: «در کشور ما همه چیز را نابود کردند، سیستم قدیمی حکومت را منحل کردند، سیستم حزبی، دولتی و مردمی را از بین بردند و در نتیجه آن، کشور از هم پاشید. این مسأله‌مانند این است که ستون مهره‌های انسان را در بیاورید و در آن هنگام دیگر او انسان نیست... تخریب فرهنگ ملی و از بین بردن ارزش‌های حیاتی و سیستم سنتی حکومت در یک کشور، نقش ستون فقرات را در انسان دارد. نظام سلطه جهانی برای پیشبرد طرح فروپاشی علیه کشور ما فرهنگ ملی، سنت‌ها و سیستم حکومتی را هدف قرار داد و با تخریب آن‌ها شوروی نیز متلاشی گردید و فقر عمومی بر جامعه ما مستولی شد.»^{۱۱}

هدف دشمن و نفوذی‌های داخل کشور، تبدیل ایران به مملکتی التقاطی است. در این میان می‌توان به کشورهای چون لبنان، مصر و سوریه اشاره کرد که در آن‌ها مساجد و زیارتگاه‌های زیبا و گلدسته‌های چشم‌نواز یافت می‌شود، همان گونه که کاباره و مشروب‌فروشی هم وجود دارد. مبنای دموکراسی که آزادی و لیبرالیسم (در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اعتقادی و...) است، در آن جا وجود دارد. چنین تفکری، به نیروی بسیج و حزب‌اللهی نیز برای بقای موجودیت خود احتیاج دارد. این تفکر، ولایت فقیه و حوزه‌های علمیه را هم قبول دارد، ولی با قرائت آمریکایی! ولایت فقیهی که کاری به آن‌ها نداشته باشد، برایشان از لفظ ملکه انگلیس و امپراتوری ژاپن مفیدتر است.

دکتر گوستا لویون (دانشمند فرانسوی) در کتاب «تمدن اسلام و عرب» درباره شکست مسلمانان در اندلس می‌نویسد: «مسلمانان حدود ۸۰۰ سال در اسپانیا، قدرت را در دست داشتند و اسپانیا در این مدت، مهد علم و تمدن شده بود. تا آن که دشمنان، با انتشار فساد و رواج مشروبات الکلی و بی‌بند و باری و بالاخره در اثر اختلافات

در آن‌ها می‌نویسد: «در برنامه‌ریزی مرکز سیاست‌گذاری آمریکا برای ایجاد نظام‌های آموزشی در دیگر کشورها دو دوره متفاوت ابتدایی و محدود، و تعلیمات حرفه‌ای برای نخبگان یا تحصیل کرده‌های دانشگاهی پیش‌بینی شده است.» این برنامه در طول دهه‌های متوالی در اکثر کشورهای جهان سوم، در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین اجرا شد و در دل خود سیستم‌هایی را به وجود آورد که در تأثیرپذیری مشخص از معیارهای غربی، تحصیل کرده‌هایی را پرورش می‌داد که عملاً در خدمت منافع غرب قرار می‌گرفتند.»^{۱۵}

از شوروی تا ایران

اندیشه‌وران و سیاستمداران شوروی سابق معتقدند آمریکا هنگامی توانست در فروپاشی شوروی به توفیق نایل آید که پیش از آن موفق شده بود با برنامه‌ها و طرح‌های گوناگون، و با استفاده از نشریات و تشکل‌های وابسته و بسیج عناصر نفوذی، فرهنگ ملی مردم روسیه به ویژه فرهنگ اسلام و ارتدوکس را کاملاً تخریب کند و ایدئولوژی حاکم را از هم بپاشد و سپس

دارد، دشمنی با دین و مذهب و تلاش برای به حاشیه راندن ارزش‌های مورد قبول ملت مسلمان است. مهم‌ترین اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی عبارت‌است از:

۱. مبارزه با ولایت فقیه، و تبلیغ

لانیسم

۲. ایجاد جریان رفرمیسم دینی (تجدید نظر طلبی)^{۱۱}

۳. ترویج جدایی دین از سیاست.^{۱۲} مجریان تهاجم فرهنگی در ایران را می‌توان به دو دسته مهم تقسیم کرد:

۱. جریان روشنفکری وابسته، که خودباختگی در برابر بیگانگان، انزوا از مردم، فساد اخلاقی و دشمنی با مذهب، از جمله ویژگی‌های آن به شمار می‌رود.^{۱۳}

۲. تشکیل کارخانه‌های آدم‌سازی (لژهای فراماسونری)^{۱۴}.

«ادوارد برمن» در بخشی از کتاب «کنترل فرهنگی» که سیاست‌های آمریکا را برای ترویج معیارهای مورد نظر فرهنگی در دیگر کشورها به طور مستند و بر اساس نتایج پژوهش‌هایی طولانی شرح می‌دهد، درباره نفوذ آمریکا در سیستم آموزشی کشورهای دیگر و ایجاد تغییر



♦♦ اندیشه‌وران و سیاستمداران شوروی سابق معتقدند آمریکا هنگامی توانست در فروپاشی این کشور به توفیق نایل آید که پیش از آن موفق شده بود با برنامه‌ها و طرح‌های گوناگون، و با استفاده از نشریات و تشکل‌های وابسته و بسیج عناصر نفوذی، فرهنگ ملی مردم روسیه به ویژه فرهنگ اسلام واردتوکس را کاملاً تخریب کند و ایدئولوژی حاکم را از هم بپاشد و سپس فرهنگ غرب را به گونه‌ای ویرانگر بر اذهان مردم این کشور حاکم کند. صاحب‌نظران روسی بستر اصلی فروپاشی شوروی را تخریب فرهنگی می‌دانند و معتقدند بدون تخریب فرهنگ مردم شوروی، فروپاشی این کشور به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نبود.

بین زمامداران حکومت، بر مسلمانان چیره شدند و مسلمانان را به زور وادار به قبول دین مسیح کردند...^{۱۹} مارشال پتن (سردار نظامی فرانسه) در سخنرانی خویش اعتراف کرده است: «بزرگ‌ترین علت شکست فرانسه در جنگ با آلمان، فرو رفتن در گرداب‌های شهوت و ابتلا به تن‌پروری و عیاشی بوده است.»^{۲۰} مونتسکیو نیز معتقد است: «در حرکت دموکراسی، از دست رفتن عفت، بزرگ‌ترین بدبختی‌ها و مفسدات را باعث می‌شود تا جایی که اساس حکومت را از بین می‌برد.»^{۲۱} مستر همفر (جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی) هم درباره بدحجابی و پیامدهای آن می‌گوید: «در مسأله بدحجابی زنان، باید کوشش فوق‌العاده‌ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط نامشروع با زن تشویق کنند و به این وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیر مسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن‌ها تقلید کنند.»^{۲۲}

یکی از مقدمات اجرای طرح فروپاشی بر ضد ایران توسط دشمن، اعمال فشارهای خارجی و سازماندهی تهاجم فرهنگی و سیاسی امنیتی است که در این میان، نقش تهاجم فرهنگی، بسیار چشمگیر است؛ زیرا بدون آن نمی‌توان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی توفیقی به دست آورد. بنابراین برای تضعیف اسلام و ارزش‌های اعتقادی و همچنین کم‌رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد، شهادت، خوداتکایی و ظلم‌ستیزی، و تخریب فرهنگ ملی و جایگزین کردن فرهنگ آمریکایی در جهت ایجاد بحران هویت، طرح تهاجم فرهنگی با برنامه‌ریزی حساب‌شده‌ای به مرحله اجرا در آمده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مسعود خرم، «هویت»، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حیان، ۱۳۷۶، چاپ اول، ص ۱۸.
۲. مرتضی مطهری، «خدمات مقابل اسلام و ایران»، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۷، چاپ بیست و ششم، ص ۳۰۴.
۳. «فرهنگ و تهاجم فرهنگی»، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، چاپ اول، ص ۱۲.
۴. همان، ص ۶ و ۷.
۵. با اضافات و تغییرات برگرفته از: حمیده عمیری، «راهکارهای دستیابی به جامعه عقیف»، یالثارات، شماره ۲۸۷، ص ۶؛ حسن واعظی،

- روشن‌تر می‌کند. اکونومیست می‌نویسد: «مهم‌ترین مانع مهار پدیده اصول‌گرایی اسلامی، روحانیون و علما هستند؛ زیرا علما با سلاح عمده خود یعنی اجتهاد، مانع از تحقق اهداف غرب می‌شوند». (همان، ص ۴۴-۴۷).
۱۲. ر. ک: همان، ص ۳۸-۵۰.
 ۱۳. برای آگاهی بیشتر درباره ویژگی‌های روشنفکری وابسته که به تعبیر جلال آل‌احمد از همان آغاز در ایران بیمار زاده شد، ر. ک: جلال آل‌احمد، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران، انتشارات فردوسی.
 ۱۴. فراماسونری در فرهنگ سیاسی ملت ایران، معادل وابستگی، دین‌ستیزی و روشنفکرانمایی است. (ر. ک: همان، ص ۸۷-۹۶).
 ۱۵. همان، ص ۲۹.
 ۱۶. حسن واعظی، پیشین، ص ۷۲.
 ۱۷. همان، ص ۱۹۸ و ۱۹۹.
 ۱۸. هر گونه تلاش برای استقرار دموکراسی، بدون وجود لیبرالیسم، محکوم به شکست است؛ «دموکراسی چیست؟»، دیویذبیستام و کونگی، ترجمه شهرام نقش‌تبریزی، انتشارات یونسکو، ۱۳۷۹، ص ۲۶.
 ۱۹. تمدن اسلام و عرب، ص ۳۳۳-۳۳۵؛ به نقل از یالثارات، شماره ۲۸۶.
 ۲۰. آندره موروا، چرا فرانسه شکست خورده است، به نقل از هفته‌نامه یالثارات، شماره ۲۸۶.
 ۲۱. روح القوانین، ص ۱۰۷؛ به نقل از یالثارات، شماره ۲۸۶.
 ۲۲. خاضرات همفر، ترجمه محسن مؤیدی، ص ۸۴؛ به نقل از یالثارات، شماره ۲۸۷.

- اصلاحات و فروپاشی، تشریح طرح بازسازی شده فروپاشی شوروی در ایران، تهران، سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۶۲.
۶. همان، ص ۱۸.
 ۷. همان، ص ۱۹.
 ۸. «فرهنگ و تهاجم فرهنگی»، ص ۴.
 ۹. مرتضی مطهری، «پیرامون انقلاب اسلامی»، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۵، چاپ دوازدهم، ص ۱۶۰.
 ۱۰. همان، ص ۱۵.
 ۱۱. مهم‌ترین اقدامی که در جهت فرم دینی در کشور صورت گرفت، ترویج نژاد «اسلام منهای روحانیت» است. برای اجرای این تکره هدف اصلی آن ایجاد پروتستانتیزم اسلامی است، ترفندها و شگردهای خاصی دنبال می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱. نكوهش تقلید از فقیهان و مجتهدان ۲. به ریشخند گرفتن روحانیان و تلاش در بی‌اراج کردن آنان در میان مردم ۳. به صحنه آوردن چهره‌های بی‌خبر از اسلام، به عنوان کارشناسان اسلامی ۴. رواج این اندیشه که در چارچوب فقه و دیانت، امکان دستیابی به حکومتی ایده‌آل و رشد و توسعه امکان‌پذیر نیست و در حقیقت تشکیل یک حکومت دینی، تجربه‌ای از یک بن‌بست است؛ بن‌بستی که غرب با مسیحیت در قرون وسطی به آن رسید. نمونه‌ای از فعالیت دشمن در جهت ایجاد جریان رفرمیسم (تفکر اصلاح دین که جدایی روحانیت از سیاست مهم‌ترین قدم آن به‌شمار می‌رود). دینی را می‌توان در نشریه اکونومیست یافت. این نشریه در شماره وت ۱۹۹۴ (مرداد ۱۳۷۳)، ویژه‌نامه‌ای با عنوان «اسلام و غرب» به چاپ رساند که نام‌لی کوتاه در آن، عمق کینه استکبار را از علمای اسلامی